

فصلنامه علمی - تخصصی
مطالعات قرآنی نامه جامعه
سال بیستم - شماره ۱۴۱
بهار ۱۴۰۱

بررسی جایگاه ابتلا در رشد و تعالی انسان با محوریت آیات متشابه

الهه ثریای اردکانی^۱

حسن عباسی^۲

چکیده

قرآن کریم کتاب رستگاری بشریت است که به قلب پیامبر ﷺ القا شد تا موجبات هدایت انسان‌ها فراهم گردد. از این رو لازم است قرآن مورد عنایت ویژه قرار گیرد تا انسان را در مسیر هدایت الهی به کمال مطلوب برساند. یکی از ابعاد مهم برای درک مضامین قرآنی، بررسی نقش آیات متشابه در هدایت بشر است. در این پژوهش جایگاه ابتلا در رشد و تعالی انسان با محوریت آیات متشابه بیان شده و به نظریاتی از دانشمندان علوم قرآن پرداخته است تا حقایق روشنی در این مورد پدیدار شود و غبار ابهام و شبهه نسبت به بی‌فایده بودن این آیات یا فتنه‌انگیزی آن برطرف گردد. روش پردازش اطلاعات در این پژوهش، به صورت توصیفی - تحلیلی است و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، نرم‌افزارهای قرآنی، آثار، نشریات و ... به گردآوری اطلاعات پرداخته شده است. نتیجه اینکه با توجه به جایگاه ویژه‌ای که این آیات در ابتلا و ارتقای درجه انسان دارد و موجب کمال او می‌شود، شبهه بی‌فایده بودن و فتنه‌انگیزی این آیات از اساس باطل است؛ زیرا یکی از حکمت‌های وجود این آیات، الزام مخاطبان قرآن در رجوع به مفسران خاص، آشکار شدن مراتب ایمان و شناسایی افراد مؤمن است.

واژگان کلیدی: آیات متشابه، متشابه، رشد و تعالی، انسان، ابتلا، آزمایش، قرآن.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار رشته علوم و معارف قرآن، مؤسسه عالی حوزوی معصومیه خواهران، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛

En30yehsorayya@gmail.com

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و فارغ‌التحصیل سطح چهار رشته فقه الاقتصاد مجتمع عالی حوزوی ولی امر عجله تعالی، قم،

ایران؛ Ha3an118@gmail.com

مقدمه

زندگی انسان هیچ‌گاه به دور از امتحان و آزمایش الهی نبوده است و انسان‌ها همواره در بوته آزمایش‌های متفاوتی محک زده شده‌اند و این قانون آزمایش، یکی از سنت‌های الهی است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۹۹؛ فاطر: ۴۳). این سنت الهی که یکی از اساسی‌ترین مسائل در زندگی انسان است، جایگاه عظیمی در سازندگی انسان و رسیدن به کمال دارد. هدف خداوند از آزمایش انسان‌ها، برای آگاهی از حال بندگان نیست؛ زیرا او عالم به غیب است؛ بلکه هدف، رشد و تعالی انسان و رساندن وی به آخرین درجه انسانیت و واگذار کردن مسئولیت برای پذیرش نتایج اعمال خود است. بنابراین می‌توان گفت هدف آزمایش‌های الهی، هم اتمام حجت به بندگان و هم رشد و کمال انسانیت اوست (هود: ۷؛ کهف: ۷؛ ملک: ۲).

در میان آیات الهی آیات متشابهی وجود دارد که زمینه آزمایش بشر است که موجب رشد و تعالی انسان می‌شود. این مقاله در پاسخ به این سؤال است که ابتلا در رشد و تعالی انسان با محوریت آیات متشابه چه جایگاهی دارد؟ ضرورت پژوهش از این روست که مؤمنان و طرفداران قرآن با اطلاع از فواید آیات متشابه، به عظمت و ارزشمندی کتاب آسمانی پی ببرند و غبار ابهام، شبهه و سردرگمی در اذهان خوانندگانی که با این آیات مواجه می‌شوند؛ زدوده شود. در این پژوهش نقش‌هایی که آیات متشابه در رشد و تعالی انسان دارند و نیز تقریراتی که در این زمینه از علمای علوم قرآن وجود دارد، کاویده و بررسی می‌شود. روش پردازش اطلاعات نیز به صورت توصیفی-تحلیلی است و از طریق مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، نرم‌افزارهای قرآنی، آثار، نشریات و ... به گردآوری اطلاعات پرداخته می‌شود.

درباره پیشینه پژوهش باید گفت مسئله نقش آیات متشابه و حکمت وجودی این آیات، یکی از موضوعات مهم و دامنه‌دار در علوم قرآنی به شمار می‌آید که دغدغه خاطر دانشمندان علوم قرآن بوده است. نگاهی گذرا به تاریخ مسئله محکم و متشابه بیانگر آن است که مذاهب مختلف اسلامی با مشرب‌های گوناگون کوشیده‌اند دیدگاه خویش را درباره محکم و متشابه و نقش وجود این آیات در قرآن تبیین کنند. ایشان دلایل متعددی را برای وجود آیات متشابه بیان

کرده‌اند که یکی از آن‌ها نقش این آیات در رشد و تعالی انسان است. آثار آنان را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

دسته نخست، آثاری هستند که به صورت غیرمستقل و پراکنده در لابه‌لای مباحث تفسیری و علوم قرآنی به‌ویژه در مسئله محکم و متشابه، به موضوع حکمت وجود این آیات پرداخته‌اند که به عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- کتاب متشابه القرآن نوشته قاضی عبدالجبار بن احمد الهمدانی الأسدآبادی (متوفای ۴۱۵ق)؛

- کتاب غرر الفوائد و درر القلائد (أمالی المرتضی) اثر علی بن الحسین الموسوی معروف به شریف مرتضی (متوفای ۴۳۶ق)؛

- کتاب متشابه القرآن و مختلفه اثر محمد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی (متوفای ۵۸۸ق)؛

- کتاب رد المتشابه إلى المحکم من الآيات القرآنية و الأحادیث النبویة تألیف محیی الدین ابن عربی (متوفای ۶۳۸ق).

دسته دوم، آثاری هستند که به صورت مستقل به حکمت وجود آیات محکم و متشابه اختصاص یافته‌اند؛ مانند:

- مقاله «تأملی دوباره در راز وجود آیات متشابه و مجمل در قرآن کریم» تألیف سید محمد حسین موسوی زاده، (۱۳۸۹ش)؛

- مقاله «هستی و چیستی محکم و متشابه» نوشته محمد فاکر میدی، (۱۳۸۷ش)؛

- مقاله «فلسفه آیات متشابه» نگاشته محمد هادی معرفت، (۱۳۸۸ش).

هر یک از این پژوهش‌ها به صورت موجز و محدود به بررسی حکمت آیات متشابه پرداخته‌اند و در صدد اثبات نظریه خود در حوزه حکمت آیات متشابه هستند. برخی از آن‌ها اصلاً به نقش این آیات در رشد و تعالی انسان اشاره نکرده‌اند، اما اثر فعلی ممحض در نقش ابتلا در رشد و تعالی انسان‌ها با محوریت آیات متشابه است و تمام نظریات و تقریرات موجود را جمع‌آوری و ارزیابی نموده است. اگر چه مقالات مذکور درباره حکمت آیات متشابه هستند، ولی در خصوص جایگاه ابتلا در رشد و تعالی انسان با محوریت آیات متشابه هیچ مقاله‌ای یافت نشد.

مفهوم‌شناسی

برای ورود به هر بحثی ابتدا باید واژگان کلیدی آن مفهوم‌شناسی شود تا از مغالطه اشتراک

دوری شود:

متشابه

متشابه در لغت، از ماده شبیه و سَبَّه به معنای «مثل و مانند» است. متشابه درباره چیزهایی به کار می‌رود که بخشی از آن با بخش دیگرش مشابهت دارد. «تشابه الشیئان» یعنی یکی از دو شیء به دیگری شباهت دارد و «المُشَبَّهات من الامور» به معنای امور مشکل و دشوار است. این ماده در باب تفعیل (سَبَّه فلانٌ علیّ)، به معنای «تخلیط و به شبهه انداختن» و در باب افتعال (اِسْتَبَّه الامرُ) به معنای «اختلاط و مشکل و مشتبه شدن» است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۰۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۵۰۳). همچنین فراهیدی «السَّبه» را به معنای «نوعی فلز مسی که با ترکیب ماده‌ای به رنگ زرد درآمده است و به طلا شبیه می‌شود»، دانسته است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۰۴). ابن فارس نیز ماده «ش ب ه» را دارای اصل و ریشه واحد دانسته است که بر تشابه و هم‌شکلی در رنگ و وصف دلالت دارد و «سَبَّه» را جواهرات بدلی که طلا نما هستند، معنا کرده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۴۳). جوهری نیز متشابهات را به متماثلات و چیزهای مثل هم معنا کرده است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۲۳۶).

در معنای اصطلاحی متشابه اختلاف نظر زیادی وجود دارد و تعاریف و تبیین‌های عالمان اسلامی اعم از صحابه و تابعان و عالمان پسین، گوناگون و مختلف است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۵۲)، اما ظهور آیه شریفه هفتم آل عمران در این است که آیات متشابه، آیاتی هستند که اولاً بر معنا دلالت داشته باشد و ثانیاً معنایی که می‌رسانند محل شک و تردید باشد؛ اما این آیات از نظر لفظی مشکوک و مردد نیستند؛ زیرا این نوع تردیدها از طریق قواعد و طرق معمول نزد اهل زبان برطرف می‌شود. برای مثال لفظ عام به مخصصش ارجاع داده می‌شود یا مطلق به مقیدش برگردانده می‌شود. از این رو متشابهات، آیاتی هستند که از نظر معنایی مردد و ناسازگار با دیگر آیات باشند و آیات محکم و بدون تردید، معنای این آیات را مشخص کنند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۲ - ۴۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۱۰۶ - ۱۱۴).

اقوال مفسران و دانشمندان علوم قرآنی درباره جایگاه ابتلا در رشد و تعالی انسان با محوریت آیات متشابه

انسان موجودی است که بر اساس فطرت خود همواره در حال تکاپو، رشد و کمال است؛ از هنگامی که در بطن مادر قرار می‌گیرد تا زمانی که به عالم آخرت انتقال می‌یابد. در این میان هیچ مؤمنی از آزمایش و امتحان مصون نخواهد بود و همواره ایمان او مورد ابتلا و آزمایش الهی قرار خواهد گرفت: «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (عنکبوت: ۳). آزمایش‌های الهی برکات عظیمی از جمله ارزیابی و آگاهی انسان‌ها از خود و دیگران دارد؛ چراکه در مقام ادعا هر کس می‌تواند خود را برترین مؤمن و بهترین انسان معرفی کند، اما باید قیمت و ارزش این ادعاها از طریق آزمون روشن و معلوم شود تا چه اندازه نیات درونی و آمادگی‌های روحی با این گفته‌ها، هماهنگ یا ناهمگون است: «فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (عنکبوت: ۳).

حائز اهمیت است که دانسته شود رشد و تعالی در مادیات، بی‌ارتباط با رشد و تعالی اخروی نیست. گاهی این دو رابطه مستقیم دارند و گاهی رابطه عکس. برای مثال مؤمنان با کسب علم و دانش، مسیری هموارتر برای رشد اخروی خود فراهم می‌کنند تا از این طریق به سعادت و قرب الهی برسند؛ در حالی که افزایش علم و دانش کافران منجر به حجابی برای وصول به حق و افت رشد اخروی آنان خواهد شد.

در این میان قرآن که داعیه‌دار ارائه برنامه‌ای جامع برای سعادت و تکامل انسان‌هاست، انسان را که بالقوه توانایی تکامل جسمانی و روحانی فوق‌العاده‌ای دارد؛ در هر دو بُعد دنیوی و اخروی از سطوح پایین وجود مادی و معنوی به بالاترین سطوح آن رهنمون می‌سازد. بر اساس نظر برخی از صاحب‌نظران در حوزه تفسیر و علوم قرآن، یکی از نقش‌های وجود آیات متشابه در قرآن «رشد و تعالی انسان» است تا قوای بالقوه او در رشد و تکاپو به فعلیت و بلوغ برسد. جایگاه ابتلا در رشد و تعالی انسان با محوریت آیات متشابه، به پنج‌گونه مختلف بیان شده است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نقش آیات متشابه در رشد و تعالی انسان به واسطه آزمایش و الزام مخاطبان با ارجاع به مفسران خاص

متشابه بودن آیاتی از جانب خداوند متعال، نوعی آزمایش و امتحان است که چگونگی عملکرد مردم درباره این آیات را محک می‌زند. خداوند حکیم اراده کرده است تا به واسطه آیات متشابه برخورد مخاطبان قرآن را بیازماید که برای فهم صحیح و کامل آن‌ها به مفسران خاصی که خود تعیین کرده است، مراجعه می‌کنند یا خیر؟ به عبارت روشن‌تر خداوند نسبت به نزول قرآنی تهی از هر گونه مجمل و متشابه و بیان تمامی دستورات لازم به همراه توضیح کامل و بیان جزئیات در آیات و نزول آیات متشابه به صورت آیات محکم و شفاف قادر و توانا بود؛ لکن در این صورت قرآنی حجیم به وجود می‌آمد. خداوند متعال بر پایه سنت آزمایش، آیات مجمل و متشابه را برای مخاطبین و معتقدین به قرآن قرار داد و راه برون‌رفت از این آیات را نیز تعیین کرد تا افزون بر استفاده از بخش‌های دیگر کتاب به مفسران خاص رجوع شود؛ مفسرانی که به همه معارف قرآن و ظاهر و باطن آن آگاهی کامل دارند. مفسران خاص در وهله اول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در مراحل بعد اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند که لزوم معرفت اهل بیت علیهم السلام و پیروی از آنان، از ضروریات مکتب تشیع است.

از قائلان به این تقریر می‌توان به سید محمدحسین موسوی زاده اشاره کرد که مدعی خود را با چینش چهار مقدمه اثبات می‌کنند:

مقدمه اول:

آزمایش انسان‌ها، از سنت‌های الهی است و تار و پود انسان‌ها با آزمایش تنیده شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۷۹). قرآن کریم با الفاظی همچون «بلاء» (بقره: ۴۹؛ أعراف: ۱۴۱؛ إبراهيم: ۶؛ أنفال: ۱۷؛ صافات: ۱۰۶)، «فتنه» (انفال: ۲۸؛ انبیاء: ۳۵؛ قمر: ۲۷؛ تغابن: ۱۵)، «تمحیص» (آل عمران: ۱۴۱ و ۱۵۴)، «امتحان» (حجرات: ۳) و «ابتلاء» (بقره: ۱۲۴ و ۱۵۵؛ آل عمران: ۱۸۶؛ مائده: ۴۸؛ انعام: ۱۶۵؛ کهف: ۷) به قانون گسترده و قطعی آزمایش اشاره کرده و ابزارهای آزمایش نیز در قرآن کریم متفاوت و متنوع بیان شده است: «وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً» (انبیاء: ۳۵)؛ «وَيَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ»

(اعراف: ۱۶۸) و «وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً» (فرقان: ۲۰). این آیات، فراگیری و گسترده‌گی سنت آزمایش را درباره خوشی‌ها و ناملایمات و حتی اشخاص دیگر نشان می‌دهد.

مقدمه دوم:

دو نکته در آیه هفتم سوره آل عمران قابل تأمل است: الف) آیات متشابه می‌توانند زمینه فتنه‌گری را فراهم آورند: «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ» (آل عمران: ۷). در این عبارت هشدار از جانب خداوند است که همچون منحرفان، این آیات را بر امور غلط حمل نکنند تا منجر به خطاکاری شود. پس در آیات متشابه، زمینه آزمایش فراهم است. ب) برای به دست آوردن تأویلات آیات متشابه و درک و فهم معانی حقیقی آن باید به راسخان در علم مراجعه کرد: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران: ۷). بر اساس روایت‌های فراوان راسخان در علم، پیامبر گرامی ﷺ و اولاد طاهرینش هستند^۱ (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۷۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱۳ و ۱۸۶؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۵۱؛ شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۲۰۱).

مقدمه سوم:

طبق آیات قرآن یکی از رسالت‌های مهم پیامبر ﷺ، تبیین و تعلیم آیات قرآن است (نحل: ۴۴ و ۶۴؛ جمعه: ۲). همچنین در میان آیات قرآن، آیات متشابه به طور ویژه به تبیین نیاز دارند.

مقدمه چهارم:

در بسیاری از آیات قرآن تأکید شده است که مردم در امور مختلف و به ویژه در موارد اختلافی به پیامبر ﷺ مراجعه و موضوع را حل کنند و به گفته‌های پیامبر ﷺ دل بسپارند (نساء: ۵۹ و ۷؛ حشر: ۷ و نحل: ۶۴). اگرچه موارد اختلافی مردم بیشتر در تعاملات زندگی و امور روزمره اتفاق می‌افتد، اما این مطلب مانع اطلاق تعابیر به کار رفته در آیات نیست و این آیات موارد اختلاف معنایی آیات و فهم صحیح از آن را شامل می‌شود^۲ (ر.ک: صدر، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۳۹؛ بدری، ۱۴۲۸، ص ۸۹).

۱. الراسيخون مَنُحْنُ آلُ مُحَمَّدٍ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: مَنُحْنُ قَوْمٍ قَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ طَاعَتَنَا... وَ مَنُحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ: وَ آلُ مُحَمَّدٍ ﷺ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: قَالَ: مَنُحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ مَنُحْنُ تَعَلُّمِ تَأْوِيلِهِ: أَيْنَ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُمُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ دُونَنَا كَذِباً وَ بَغْياً عَلَيْنَا: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: قَالَ: الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَمْتَةُ مِنْ بَعْدِهِ ﷺ.

۲. غلبه وجودی سبب انصراف بدوی اطلاق می‌شود، ولی انصراف بدوی حجت ندارد و اطلاق لفظ را از بین نمی‌برد؛ مانند انصراف ماء در عراق به دجله و فرات. آنچه موجب انصراف حقیقت اطلاق می‌گردد، غلبه استعمالی است که موجب انس ذهنی شود.

بنابراین با توجه به اینکه برترین مرجع برای فهم قرآن و حل آیات متشابه و مجمل، اهل بیت علیهم السلام هستند و این آیات نیز جنبه آزمایش دارد، وجود آیات متشابه نوعی آزمایش و الزام مخاطبین در رجوع به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است (ر.ک: موسوی زاده، ۱۳۸۹، ص ۷۸ - ۸۸).

۱. نقش آیات متشابه در رشد و تعالی انسان به واسطه آزمایش و آشکار شدن مراتب ایمان و تسلیم مؤمنان

یکی از مسائل مهم و اثرگذار در حوزه معنویت انسان، مسئله تسلیم و اطاعت در برابر خداوند متعال است. تحقق این امر فقط به گفتن و ادعا نیست؛ بلکه لازم است انسان در عمل و در شرایط سخت زندگی، تسلیم بودنش در برابر اوامر الهی را اثبات کند. بر اساس بیان معصومین علیهم السلام در روایات بسیاری تسلیم شدن در برابر خداوند، یکی از ارکان و نشانه‌های ایمان و از مهم‌ترین آن‌ها شمرده شده است^۱ (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۵۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۷؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۶۲؛ لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۱) که خداوند بندگان را چنین می‌آزماید و تا وقتی انسان در برابر خداوند تسلیم نباشد، آرام نمی‌گیرد.

بر اساس نظر برخی مفسران و دانشمندان علوم قرآن، خداوند بندگان را به وسیله آیات متشابه آزمایش می‌کند تا مشخص شود کدام یک از آن‌ها به این آیات ایمان می‌آورند و کدام یک آن را کنار می‌زنند. در واقع خداوند متعال با این کار اراده کرده است که انسان‌ها تفاوت و یکسان نبودن درجات ایمان و تسلیمشان را بدانند و این تفاوت به منصفه ظهور برسد. این دیدگاه به سه گونه بیان شده است که تفاوت آن‌ها در متعلق و هدف آزمایش است. متعلق و هدف آزمایش در برخی بیان‌ها، تسلیم دل‌های مؤمنان در برابر تمامی آیات و ایمان به غیب است. در برخی دیگر از بیان‌ها، حکم نکردن طبق آیات متشابه و در برخی دیگر، به خضوع کشاندن انسان و اعتراف گرفتن بر جهل و نادانی اش، متعلق و هدف آزمایش است.

۱. وَ سَمِعْتُ الرَّسَالَ عليهم السلام يَقُولُ: «الْإِيمَانُ أَرْبَعَةٌ أَرْكَانٌ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ عز وجل، وَ الرِّضَا بِقَضَائِهِ، وَ التَّنْزِيلُ لِأَمْرِ اللَّهِ، وَ التَّفْوِيزُ إِلَى اللَّهِ؛ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْإِيمَانُ لَهُ أَرْكَانٌ أَرْبَعَةٌ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَ تَفْوِيزُ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّنْزِيلُ لِأَمْرِ اللَّهِ عز وجل؛ حَمْسٌ مِنَ الْإِيمَانِ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْهُنَّ فَلَا إِيمَانَ لَهُ: التَّنْزِيلُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّفْوِيزُ إِلَى اللَّهِ وَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الضَّرْمَةِ الْأُولَى؛ أُضِلَّ الْإِيمَانُ التَّنْزِيلُ لِأَمْرِ اللَّهِ».

۱-۲. متعلق و هدف آزمایش؛ تسلیم دل‌های مؤمنان در برابر تمامی آیات و ایمان به غیب خداوند آیات متشابه را نازل کرد تا دل‌های مؤمنان را بیازماید و درجات مؤمنان سنجیده و روح تعبد و تسلیم در آن‌ها زنده شود. در این صورت معلوم می‌شود که چه کسانی تسلیم محض گفتار پروردگار خود هستند؛ چه این گفتار را بفهمد و چه نفهمد و نیز چه کسانی فقط در برابر آیاتی که درک می‌کنند، تسلیم هستند. اگر همه آیات قرآن محکم و صریح و واضح بود، دیگر تسلیم شدن در برابر این آیات معنی نداشت و آزمایش و امتحان محسوب نمی‌شد؛ زیرا در این صورت ایمان و تسلیمشان به خاطر یقین و شهادت آن‌ها بود و چنین ایمانی نمی‌تواند معیار آزمایش خشوع و تسلیم در برابر آیات الهی و فرستادگان خدا باشد.

آیاتی که به وجود «برزخ»، «صراط»، «تطایر کتب»، «انطاق جوارح» و مانند آن دلالت دارند، به «غیب» مربوط می‌شوند و همگان قدرت درک معنا و مفهوم آن را ندارند. از این‌رو ایمان به این مفاهیم از مقوله ایمان به غیب محسوب می‌شود که می‌تواند معیاری برای امتحان و آزمایش اهل ایمان باشد تا کسانی که به اخبار کلی خدا و اولیای او ایمان می‌آورند، از کسانی که به جستجوی زوایای پنهان این حقایق و واقعیات سرگرم شده‌اند و از اصل ایمان بازمی‌مانند؛ جدا شوند. پس حکمت نزول آیات متشابه در قرآن که برای عموم مردم قابل درک نیستند، «امتحان و ابتلا و آزمایش تسلیم دل‌های مؤمنان در برابر تمامی آیات و ایمان به غیب» است.

رشید رضا این تقریر را در المنار از استادش شیخ محمد عبده نقل کرده (ر.ک: رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۳، ص ۱۴۱) و «زحیلی» (زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۵۴) نیز از این تقریر جانبداری نموده است. از دیگر قائلان به این تقریر می‌توان به زرکشی (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۰۵) اشاره کرد که یکی از نقش‌های متشابهات در رشد و تعالی را در حوزه آیات متشابهی که علم به آن‌ها امکان ندارد، آزمایش و ابتلای ایمان انسان‌ها دانسته است. دیگر مفسران و دانشمندان علوم قرآن ضمن بیان این تقریر و عدم جانبداری نسبت به آن، این تقریر را با عنوان «قیل» آورده و به قائل آن اشاره‌ای نداشته‌اند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۵۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۱۲۴؛ حکیم، ۱۴۱۷، ص ۱۸۳؛ زرقانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۸).

۲-۲. متعلق و هدف آزمایش؛ حکم نکردن طبق آیات متشابه

بر اساس برخی آیات قرآن کریم حکم نکردن به آنچه از جانب خداوند متعال نازل شده است، عاملی برای قرار گرفتن در زمره کافران (مائده: ۴۴)، ظالمان (مائده: ۴۵) و فاسقان (مائده: ۴۷) شمرده شده است. اگرچه این آیات بر اهل کتاب منطبق می‌شود، ولی این انطباق و مصداق بارز آیه بودن موجب عدم اطلاق آن نمی‌شود و شامل تمام کسانی خواهد شد که برخلاف آنچه خداوند نازل کرده است، حکم کند. مخالفت با هر امری که در دین خدا ثابت شده باشد، در دو حالت اتفاق می‌افتد:

الف) انسان، علم به ثبوت آن حکم و امر الهی دارد

در این صورت ردّ کردن آن امر منجر به کفر او خواهد شد، اما اگر فقط مخالفت عملی داشته باشد و آن را ردّ نکند؛ منجر به کفرش نخواهد شد و فقط موجب فسق او می‌شود.

ب) علم به ثبوتش ندارد

در این صورت ردّ کردن آن موجب کفر و فسق نمی‌شود، اما اگر در پاره‌ای از مقدمات کوتاهی و تقصیر داشته باشد؛ در زمره ظالمان خواهد بود (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۳۴۸). یکی از مواردی که خداوند از بندگان خواسته است طبق آن حکم نکنند و در برابر آن‌ها توقف کنند، آیات متشابه است. در حقیقت این آیات، صحنه آزمایش را برای بندگان فراهم کرده است تا آن‌ها را از این طریق بیازماید. از این رو نقش آیات متشابه در رشد و تعالی انسان، امتحان و ابتلا بندگان نسبت به حکم نکردن طبق این آیات است.

از قائلان به این تقریر می‌توان به ابن عربی در کتاب‌های الفتوحات المکیّة (ابن عربی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۴) و رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن (ابن عربی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۱۲) اشاره کرد. نهاوندی (نهاوندی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۸۴) نیز یکی از نقش‌های آیات متشابه را آزمایش و آشکار شدن مراتب ایمان دانسته است، اما سمت و سو و چگونگی آن را ذکر نکرده است؛ ولیکن می‌توان او را به دلیل نزدیکی تقریرش به تقریر مذکور در زمره قائلان به این تقریر برشمرد.

۲-۳. متعلق و هدف آزمایش؛ به خضوع کشاندن انسان و اعتراف گرفتن بر جهل و نادانی او انسان با تمام استعدادهایی که دارد، سراسر ضعف و عجز و ناتوانی است که وجودش را هزاران نقص و نیاز فرا گرفته و در اثر ناآگاهی از حقیقت خویش، امتیازات و کمالاتی را در خود توهم کرده است؛ به غرور مبتلا می‌شود. او به سبب علاقه شدید به خویش، دیگران را پایین‌تر و فاقد کمالات به حساب می‌آورد و به خاطر غرور دیگر نمی‌تواند حقیقت را تشخیص دهد و پیوسته در مسیر گمراهی گام برمی‌دارد. خداوند متعال انسان را با نزول آیات متشابه می‌آزماید تا در سایه این آزمایش، انسان به توهماتش نسبت به کمالات و امتیازات خود خاتمه دهد و خود را نیازمند خدای حکیم ببیند، در برابرش خضوع کند، از مرکب غرور و کبر که سرچشمه انواع بدبختی‌ها و مجادله در آیات الله است، فرود آید و برای خود در برابر ذات پاک او موجودیتی قائل نشود و سرود ملائکه را بخواند: «سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ». (بقره: ۳۲).

۲. جایگاه ابتلا در رشد و تعالی انسان به واسطه شناخته شدن فتنه‌انگیزان از مؤمنان راستین در آیات متشابه

اگر چه شناخت مبدأ و معاد و راه و راهنما اصول هدایت بشر را سامان بخشیده است، ولی امر هدایت بدون شناسایی موانع، چالش‌ها و دشمنان کامل نمی‌شود؛ زیرا پیمودن راه سعادت و رسیدن به مقام قرب و جایگاه خلیفه‌اللهی برای بیشتر جهانیان بدون شناخت چالش‌ها و موانع با دشواری‌های بسیاری مواجه و بلکه ناممکن است. از این رو بخش مهمی از کتاب‌های آسمانی و آموزه‌های وحیانی، به دشمن‌شناسی و شناخت منافقان از مؤمنان راستین اختصاص یافته است. ضرورت شناخت دشمن و منافقان زمانی آشکارتر می‌شود که در صورت ذره‌ای غفلت یا تغافل، هر لحظه امکان سوءاستفاده دشمن از انسان بر ضد خودش وجود دارد.

برخی مفسران و دانشمندان علوم قرآن، نقش آیات متشابه را «شناخته شدن فتنه‌انگیزان منافق از مؤمنان راستین» دانسته‌اند تا مؤمنان در این صحنه آزمایش با منافقان مذدب‌بی که همواره فتنه‌انگیزی می‌کنند، آشنا شوند و در مقابل فتنه‌های آنان از خواب غفلت بپرهیزند تا به سعادت واقعی رهنمون شوند.



از قائلان به این دیدگاه می‌توان به زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۸)، ابن جوزی (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۶۰)، زین الدین رازی (زین الدین رازی، ۱۴۲۳، ص ۳۳) و نهاوندی (نهاوندی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۸۴) اشاره کرد. آیت الله مکارم شیرازی ضمن اشاره به این تقریر، نامی از قائلان آن به میان نیاورده و از آن نیز جانب‌داری نکرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۷).

۳. جایگاه ابتلا در رشد و تعالی انسان به واسطه فزونی ثواب و سختی فهم آیات متشابه

انسان به واسطه وجود سختی‌ها در دنیا، مورد ابتلا و آزمایش قرار می‌گیرد و همواره این سختی‌ها موجب تحرک و تغییر او می‌شود که آثار پربرکتی مانند افزایش تجربه، صبر زیبا، مقاومت، پختگی و کمال بیشتر دارد. از این رو سختی‌ها از جانب خداوند متعال برای انسان محقق می‌شود تا استعدادهای باطنی و فعلیت نیافته او بروز کند و انسان را به کمال نهایی خود رهنمون نماید. بر اساس آموزه‌های وحیانی، سختی و دشواری عمل نیک نیز معیاری در ارزش‌گذاری و موجب افزونی ثواب و پاداش آن است (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۲۲۷ و ۲۳۵).

هدف از خلقت انسان، عبادت و پرستش خداوند متعال است (ذاریات: ۵۶) تا در قبال آن بنا بر فضل الهی، ثواب و اجری به انسان داده شود. خداوند به انسان تکلیف کرده است تا او با انجام تکالیفش به بالاترین ثواب‌ها و مراتب تعالی نائل آید. بر اساس تعالیم قرآنی (آل عمران: ۱۴۲) و روایی^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۲۲۸-۲۲۹) هر اندازه عبادت‌های انسان سخت‌تر باشد، فضیلت و ثواب بیشتری به همراه دارد. نقش نزول بخشی از قرآن به صورت متشابه نیز در راستای تحقق همین هدف است که انسان با تحمل سختی‌ها و رنج‌های بیشتر برای فهم و درک معنای این آیات، مستحق مراتب عالی و منازل رفیع نزد خداوند متعال شود. در واقع اگر تمامی آیات محکم بودند، این تعالی و رشد در انسان‌ها به وجود نمی‌آمد و با کمترین تلاش به تفسیر و معنای قرآن دست پیدا می‌کردند. بنابراین نزول آیات متشابه، تفضلی از ناحیه پروردگار عالمیان است تا منشأ کسب ثواب و اجر بیشتر شود.

از قائلان این تقریر می‌توان به شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰-۱۱) و زین الدین رازی (زین الدین رازی، ۱۴۲۳، ص ۳۳) اشاره کرد، اما دیگر مفسران و دانشمندان علوم قرآن با ذکر این تقریر

۱. «الحبر المشهور بین الخاصة و العامة إن أفضل الأعمال أجزها».

و بدون اشاره به قائل آن، از این قول جانب‌داری نکرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۵۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۱۲۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۴۱؛ رشید رضا، ج ۳، ص ۱۴۱؛ ابن جوزی، ج ۱، ص ۲۶۰).

ارزیابی

مرحوم علامه طباطبایی بعد از طرح این تقریر، بی‌ارزش و سخیف بودن آن را تا آنجا می‌داند که نیازی به رد کردن آن نمی‌بیند و بطلان این تقریر را واضح می‌داند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۵۶). حداقل دو نقد جدی بر این دیدگاه وارد است:

۱. وقتی این رنج و سختی در ارتقای معرفت و علم انسان سهمی نداشته باشد، نمی‌تواند معترف کمال قرآن باشد. پس چنانچه تحمل زحمتی موجب رشد و بالندگی آدمی نشود، هرگز کمال نامیده نمی‌شود تا استحقاق ثواب را به ارمغان آورد.

۲. هر رنجی مستلزم اجر و ثواب نیست. در حقیقت به جان خریدن هرگونه سختی، شایستگی دریافت پاداش را ندارد؛ بلکه رنجی که برای فهم معارف قرآن باشد، ملازم با اجر است؛ نه حل معماگونه آن تا دستاویزی برای فتنه‌گران باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۱۲۲). به بیان دیگر عبادت بودن یک عبادت با فتنه‌انگیزی آن سازگار و همگون نیست؛ از این رو نمی‌توان نقش آیات متشابه را عبادتی سخت برای کسب اجر و ثواب بیشتر دانست؛ زیرا آیات متشابه دارای نوعی همانندی فتنه‌انگیز میان مراد و نامراد و حق و باطل هستند و این معنا با چنین ادعایی سازگاری ندارد (حیدری فر، ۱۳۹۶، ص ۵). از این رو به نظر می‌رسد آیت‌الله جوادی آملی با ذکر دلایل خود، نادرستی این مطلب را بیان کرده باشد.

۴. جایگاه ابتلا در رشد و تعالی انسان به واسطه پیوند دادن انسان دنیایی با مبدأ هستی و عالم آخرت

بر اساس فطرت پاک انسان که خداوند از همان ابتدا در وجود آدمی قرار داده است، میل و اشتیاقی نسبت به خداوند وجود دارد که منجر به پیوند انسان با مبدأ و خالق هستی می‌شود. دلیل برقراری چنین پیوندی، دمیده شدن روح خالق در بدن تک تک افراد برای بخشیدن

حیات روحانی به جسم مادی است (حجر: ۲۹؛ ص: ۷۲). بنابراین خداوند متعال پایه میثاق خود با انسان را در وجود او قرار داده است، ولی انسان برای ادامه این ارتباط و پیوند همواره باید از فطرت خداجوی خود مراقبت کند تا در اثر برخورد با مادیات، پیوندش با خالق یکتا گسسته نشود. انسان افزون بر ارتباط با مبدأ هستی برای رسیدن به سعادت حقیقی و جاودانگی، نیازمند ارتباط و شناخت اجمالی نسبت به عالم آخرت و جهان پس از مرگ است تا در مسیر رسیدن به حق، با اشتیاق روزافزونی گام بردارد. با توجه به اینکه بخش عظیمی از آیات قرآن به شناخت خدا و معاد اختصاص یافته است، می توان دریافت که آیات نورانی قرآن، عهده دار پیوستگی ارتباط انسان با خالق هستی و جهان آخرت است.

برخی دانشمندان و متفکران علوم قرآن بر این باورند که آیات متشابه، ارتباط انسان با خدا و عالم آخرت را قوی می کند؛ چرا که ارتباط با خدا و عالم آخرت، نیازمند آشنایی با مفاهیم غیبی است و این مفاهیم در قالب متشابهات نازل شده است. ممکن است در نظر آنان آیاتی مانند «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه: ۵)؛ «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح: ۱۰)؛ «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ، إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» (قیامت: ۲۲-۲۳) و «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ» (فاطر: ۱) مد نظر باشد که به حقایقی در مورد عوالم غیب اشاره دارد. از قائلان به این دیدگاه می توان به سید محمدباقر حکیم اشاره کرد. وی پس از تقسیم کلی آیات متشابه به دو قسم «قابل درک فقط برای خداوند» و «قابل درک برای خدا و راسخان در علم»، نقش آیات متشابه را در قسم دوم «پیوند دادن انسان دنیایی با مبدأ هستی و عالم آخرت» می داند و تنها راهکار این پیوند را آیات متشابه ذکر می کند (ر.ک: حکیم، ۱۴۱۷، ص ۱۸۹ و ۱۹۰).

ارزیابی

از آنجا که تقریر پیش گفته در تفاسیر و تحقیقات موجود توسط مفسران و دانشمندان علوم قرآن مطرح نشده است، نقدی نیز نسبت به آن مطرح نشده است؛ اما اشکال این تقریر را می توان این گونه بیان کرد:

تنها راه ارتباط و پیوند انسان با خداوند و آخرت را در آیات متشابه می داند. با توجه به بیان

معروفی که در بین عرفا وجود دارد، راه‌های بسیاری برای رسیدن به حق و ارتباط دائمی با خداوند متعال وجود دارد^۱ (ر.ک: نخجوانی، ۱۹۹۹، ج ۱، ص ۱۹ و موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۶۶)؛ از این رو نمی‌توان تنها راه ارتباط و پیوند با خالق هستی را در آیات متشابه جستجو کرد. اگر آیاتی فقط برای خداوند قابل درک باشد و برای بشر قابل درک نباشد، نزول آن لغو و عبث خواهد بود. بنابراین صحت این تقسیم، محل تردید و بعید است؛ زیرا هیچ‌گونه مستند و دلیلی برای آن وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

آیات متشابه در قرآن کریم که به منزله آیات با زمینه فتنه‌انگیزی شناخته می‌شود، نقش و جایگاه ویژه‌ای در ابتلا و رشد و تعالی انسان دارد. جایگاه ابتلا در رشد و تعالی انسان با محوریت آیات متشابه، به پنج‌گونه مختلف بیان شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. نقش آیات متشابه در رشد و تعالی انسان به واسطه آزمایش و الزام مخاطبان با ارجاع به

مفسران خاص؛

۲. نقش آیات متشابه در رشد و تعالی انسان به واسطه آزمایش و آشکار شدن مراتب ایمان

و تسلیم مؤمنان؛

۳. جایگاه ابتلا در رشد و تعالی انسان به واسطه شناخته شدن فتنه‌انگیزان از مؤمنان راستین

در آیات متشابه؛

۴. جایگاه ابتلا در رشد و تعالی انسان به واسطه فزونی ثواب و سختی فهم آیات متشابه؛

۵. جایگاه ابتلا در رشد و تعالی انسان به واسطه پیوند دادن انسان دنیایی با مبدأ هستی و

عالم آخرت.

با توجه به جایگاه ویژه‌ای که این آیات در ابتلا و ارتقای درجه انسان دارد و باعث کمال او می‌شود، شبهه بی‌فایده بودن و فتنه‌انگیزی این آیات از اساس باطل است؛ زیرا یکی از حکمت‌های وجود این آیات الزام مخاطبان قرآن در رجوع به مفسران خاص، آشکار شدن مراتب ایمان و شناسایی افراد مؤمن است که سبب فهم جایگاه ابتلا در رشد و تعالی انسان در این آیات می‌شود.

۱. «ان الطرق الی الله بعدد انفاس الخلائق».

فهرست منابع

كتاب

١. قرآن كريم.
٢. ابن العربي، محيى الدين محمد بن على، (١٤١٥ق)، رحمة من الرحمن فى تفسير و اشارات القرآن، دمشق: نصر.
٣. ———، (بى تا)، الفتوحات المكية، بيروت: دار الصادر.
٤. ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، (١٤٢٢ق)، زاد المسير فى علم التفسير، تحقيق: عبدالرزاق المهدي، بيروت: دار الكتاب العربى.
٥. ابن فارس، احمد بن فارس، (١٤٥٤ق)، معجم مقاييس اللغة، قم: مكتب الاعلام الاسلامى.
٦. ابن منظور، محمد بن مكرم، (١٤١٤ق)، لسان العرب، بيروت: دار صادر.
٧. بدرى، تحسين، (١٤٢٨ق)، معجم مفردات أصول الفقه المقارن، تهران: المشرق للثقافة و النشر.
٨. پاينده، ابوالقاسم، (١٣٨٢ش)، نهج الفصاحة؛ مجموعه كلمات قصار حضرت رسول ﷺ، تهران: دنياى دانش.
٩. جوادى آملى، عبدالله، (١٣٨٩ش)، تفسير تسنيم، قم: مركز نشر اسراء.
١٠. جوهرى، اسماعيل بن حماد، (١٣٧٦ق)، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، بيروت: دار العلم للملايين.
١١. حكيم، سيد محمدباقر، (١٤١٧ق)، علوم القرآن، قم: مجمع الفكر الاسلامى.
١٢. حميرى، عبدالله بن جعفر، (١٤١٣ق)، قرب الإسناد (ط - الحديثة)، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ.
١٣. رشيد رضا، محمد، (١٩٩٥م)، تفسير المنار، المصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
١٤. زحيلى، وهبة بن مصطفى، (١٤١٨ق)، التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج، بيروت: دار الفكر المعاصر.
١٥. الزرقانى، محمد عبدالعظيم، (بى تا)، مناهل العرفان فى علوم القرآن، بى جا: دار احياء التراث العربى.
١٦. زركشى، محمد بن عبدالله، (١٤١٥ق)، البرهان فى علوم القرآن، بيروت: دار المعرفة.
١٧. زمخشرى، محمود، (١٤٥٧ق)، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت: دار الكتاب العربى.
١٨. زين الدين رازى، محمد بن ابى بكر، (١٤٢٣ق)، اسئلة القرآن المجيد و أجوبتها من غرائب آي التنزيل، بيروت: المكتبة العصرية.
١٩. شريف الرضى، محمد بن حسين، (١٤١٤ق)، نهج البلاغة (الصبحى صالح)، قم: هجرت.
٢٠. صدر، سيد محمدباقر، (١٤١٨ق)، درس فى علم الأصول، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢١. طباطبايى، سيد محمدحسين، (١٣٨٨ش)، قرآن در اسلام، قم: بوستان كتاب.
٢٢. ———، (١٤١٧ق)، الميزان فى تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

۲۳. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۴. فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: هجرت.

۲۶. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، قم: دار الکتب.

۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۲۸. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث.

۲۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۳۱. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۰۹ق)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه اهل البيت (ع).

۳۲. نخجوانی، نعمت الله بن محمود، (۱۹۹۹م)، الفواتح الالهية و المفاتيح الغيبية، مصر: دار رکابی للنشر.

۳۳. نهاوندی، محمد، (۱۳۸۶ش)، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت.

۳۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۸۶ش)، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب.

۳۵. هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس الهمالی، قم: الهادی.

مقاله

۱. حیدری فر، مجید، (۱۳۹۶ش)، «نقد دیدگاه‌ها در چرایی وجود آیات متشابه در قرآن»، مجله پژوهش‌های قرآنی، دوره ۲۲، ش ۸۵، زمستان، ص ۱۴۲-۱۶۳.

۲. موسوی زاده، سید محمدحسین، (۱۳۸۹ش)، «تأملی دوباره در راز وجود آیات متشابه و مجمل در قرآن کریم»، مجله معرفت، ش ۱۵۲، تابستان، ص ۷۳-۹۰.



